



زهره سلواتی
گروه رسانه

رابعه مدنی این شب‌ها با دو سریال به تلویزیون بازگشته‌است؛ «خوشنام» که از شبکه یک پخش می‌شود و فصل چهارم «از سرنوشت» که از شبکه دو روی آنتن می‌رود. نقش مدنی در سریال خوشنام کوتاه است و در «از سرنوشت۴» مطول‌تر و مفصل‌تر. شیوع ویروس کرونا در سه سال اخیر، باعث شده این بازیگر برای مدتی و از سر احتیاط کمتر در فیلم و سریالی حضور داشته‌باشد. مدنی بااین حال تاکید می‌کند همیشه دوست دارد سر کار باشد و جلوی دوربین، احساس خستگی نمی‌کند. بازیگر سریال‌های خوشنام و از سرنوشت، البته این نکته را هم یادآوری می‌کند که ترجیح می‌دهد نقش‌های بلندتری را در سریال‌های تلویزیونی بازی کند. رابعه مدنی همچون اغلب نقش‌هایی که تا به امروز بازی کرده، بسیار مهربان و خوش قلب و شیرین‌زبان است و مصاحبه با او، لذت فراوانی دارد.



این شب‌ها دو سریال خوشنام و از سرنوشت از شما روی آنتن تلویزیون است و به نظر می‌رسد پس از مدتی که کم‌کار بوده‌اید، دوباره به عرصه بازیگری بازگشته‌اید.

مدنی به دلیل کرونا کمتر سرکار می‌رفتم، بالاخره فضا بسته است و احتمال مبتلا شدن بالا می‌رود و من باید مراقب خودم باشم، ستم بالا رفته و دیابت هم دارم، همه گرفتاری‌ها به کرونا باز می‌گردد. آن‌شاءا... به حق این روزهای عزیز، خداوند ریشه این بیماری را از روی زمین بردارد.

چرا در سریال خوشنام نقش‌تان خیلی کوتاه و در حد یک سکانس است؟ معمولاً نقش‌های بلندتری را در سریال‌های تلویزیونی ایفا کرده‌اید.

نقشم در فیلمنامه در همین حد نبود. البته خودم دوست دارم نقش‌های بلندتری را بازی کنم، دوست دارم مدت زمان بیشتری را در کار باشم و بتوانم رابطه دوستانه و صمیمانه‌ای با دیگران برقرار کنم. بازیگران مثل فرزندان من هستند و دوست دارم وقت بیشتری را با آنها بگذرانم.

اکثر بازیگران پیشکسوت، گلایه دارند نقش خوبی برایشان نوشته نمی‌شود و همیشه در حاشیه هستند. شما چطور؟ از نقش‌هایتان راضی هستید؟

عادت دارم با نقشم کنار بیایم و کمال همکاری را با کارگردان داشته باشم. من دو سال با آقای نعمت... در سریال «وضعیت سفید» کار کردم. ایشان همیشه می‌گفت وقتی شما به من می‌گویید چشم، خجالت می‌کشم، مدتی است چشمانم ضعیف شده و نمی‌توانم کلمات ریز را بخوانم و همیشه می‌خواهم فیلمنامه را با فونت درشت‌تر برایم بفرستند تا در خواندنش مشکلی نداشته باشم. خدا را شکر با یک بار خواندن هم، دیالوگ‌ها را حفظ

«صف اول» بعد از ۲۱ سال «نگاه یک» را از دور خارج کرد

در رسانه مرسوم است هر از گاهی به برنامه‌های قدیمی ایده‌های جدید تزریق شود اما گاهی بعد از گذشت سال‌ها به جای تزریق بخش‌های تازه، تصمیم گرفته می‌شود برنامه‌ای از جدول پخش حذف و برنامه جدید جایگزین شود. این اتفاق طبیعی است و در رسانه‌های دنیا هم رخ می‌دهد. حالا برنامه نگاه یک که از سال ۸۰ روی آنتن شبکه یک سیما می‌رفت، برای همیشه حذف شد. پیگیری‌های ما به این نتیجه رسید که معاونت سیاسی سازمان صداوسیما تصمیم گرفته تا برنامه صف اول را جایگزین برنامه نگاه یک کند.

گپ با پیشکسوت

گفت‌وگو با رابعه مدنی، هنرمند پیشکسوت

نقش مادر شهید، حالم را دگرگون می‌کند

پسرم نقش‌هایم را انتخاب می‌کند

رابعه مدنی در پاسخ به این سوال که شما بازنشسته آموزش و پرورش هستید و زندگی‌تان از راه بازیگری نمی‌گذرد و این امنیت نسبتاً مالی، چقدر دست‌تان را در قبول یا رد نقش‌ها باز می‌گذارد؟ می‌گوید: «همیشه انتخاب نقش‌هایم را به عهده پسرم شهاب (امیرشهاب رضویان) می‌گذارم، چرا که تجربه‌اش از من در این کار بیشتر است. من احساساتی هستم. مثلاً اگر کارگردان یا تهیه‌کننده بگوید بودجه چندانی نداریم و بیا سرکار، می‌روم اما شهاب این‌گونه نیست و نگاه حرفه‌ای دارد. پنج سال پیش برای یک بنده خدایی فیلم بازی کردم که بخشی از دستم‌زد پرداخت نشد. چند روز پیش همان بنده خدا تماس گرفت که خانم مدنی، فیلمم نفروخت و با این حال به فکرتان هستم و می‌خواهم بروم و پولی قرض کنم و به حساب شما بریزم. من پاسخ دادم باید با شهاب مشورت کنم. پسرم گفت ولش کن.. حلالش کن.»

نوشین مجلسی
گروه رسانه

حاج یونس قصه «میوه ممنوعه» از پس سال‌ها آبروداری و رفتن بی‌ن خان حلال، دل به عشقی ممنوع می‌بندد که کانون خانواده را متزلزل می‌کند و او را به شناختی از خود می‌رساند که پیش از این، با آن غریبه بود. بند پند مضمون این قصه در قالب ترانه‌ای از زنده‌یاد آفتشین بداللهی چنان جاگذاری شده‌است که مخاطبان با شنیدنش می‌توانند ماجرابی را که این شخصیت با بازی علی نصریان داشته‌است، تصویرسازی کنند.

میوه ممنوعه ماجرای حاج یونس است که بسیاری آن را مشابه قصه شیخ‌صنان می‌دانند. ترانه از ۷۰ سال عبادتی می‌گوید که با کمی کج گذاشتن یا می‌تواند خیلی زود به باد رود و کسی را ازواج به ذلت برساند. همین خصلت و ترکیب بصادای خوش‌والبته‌تازه‌خواه‌امیری در آن سال‌ها، نتیجه شنیدنی به بار آورد که جزو تیتراژهای شنیدنی تلویزیون دسته‌بندی شود و همچنان برای بسیاری خاطره‌انگیزاست و می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند.



برای شنیدن موسیقی این مجموعه کیوارکد را اسکن کنید

خبر

تولید مجموعه «کودک من» در شبکه مستند



علاقه‌مندان به برنامه‌های شبکه مستند کم نیستند و این شبکه تلویزیونی مخاطبان خاص خودش را دارد. برای این دسته از مخاطبان باید بگوییم یک مجموعه مستند که به نام «کودک من» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسن علیزاده فرد با موضوع رفتار شناسی و تربیت کودکان در ۱۰ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای برای شبکه مستند تولید می‌شود. حسن علیزاده فرد در این باره گفت: کودک من در دنیای خانواده‌ها جست‌وجو می‌کند تا به پرسش‌های آنها پاسخ دهد، پرسش‌هایی که شاید والدین دیگری به دنبال پاسخ آن باشند. چرا کودک من این‌گونه رفتار می‌کند؟ ریشه این رفتارها از کجاست؟ و راه برطرف کردن آنها چیست؟ پژوهش این مستند، زمستان سال گذشته تمام شد و کار تولید از اول اردیبهشت کلید زده شد. در پیش تولید کار همراه با نویسنده و پژوهشگر و مشاور مجموعه سعی کردیم خانواده‌هایی را از تمام اقشار جامعه پیدا کنیم، گروه کودک من با بررسی این خانواده‌ها در بی‌ریشه‌یابی مسائل هستند و با ایجاد چالش‌هایی توسط مشاور به بازسازی موقعیت و حل آنها می‌پردازند. مستند کودک من، سراغ خانواده‌هایی می‌رود که فرزند سه تا ۱۲ساله دارند و هر روز با چالش جدیدی در فرزندشان مواجه می‌شوند و نمی‌دانند چه برخوردی با آنها داشته باشند. مشکلاتی از قبیل بچه‌هایی که درگیر فضای مجازی هستند، بچه‌های پرخاشگر، بچه‌های بد غذا، بچه‌های گوشه‌گیر و افسرده، بچه‌هایی که وابستگی شدید به والدین یا یکی از آنها دارند، دادن اعتماد به نفس کودک، آموزش والدین برای پرورش کودکان خلاف، پیش‌فعالی کودک و ده‌ها سؤال دیگر که پدر مادرها از خود می‌پرسند.

راوی و کارشناس این مجموعه مستند هاجر سجاد، روان‌شناس کودک است و علی محمدصادق، نویسنده‌ی این اثر را به عهده دارد.

تقویم

سیمای مرد خندان در ۵۴ سالگی

بود. حقیقت این است که آن زمان به نظر نمی‌رسید عطاران نسبت به سایر اعضای گروه ساعت خوش، برتری داشته باشد. او با مزه و دوست‌داشتنی بود اما در نهایت یکی از بازیگران مجموعه‌ای بزرگ‌تر بود که خیلی زود، و از همان مخاطب دوست‌داشتنی بودند.

اتفاقی که افتاد، این است که عطاران از ساعت خوش استفاده مناسبی کرد. عطاران اعتبار ساعت خوش را گرفت و برای ماندن و درخشیدن در تلویزیون به کار برد. برخلاف بسیاری از هم‌بازی‌هایش، عطاران، این شهرت ناگهانی را به عاریه نگرفت و به تکرار نینفاد، حضورش را به مخاطب یادآوری کرد و از فراموش شدن دورماند.

از زیر آسمان شهر تا بزنگاه

بعد از ساعت خوش، عطاران با همکاری مسعود رسام و بیژن بیرنگ، برنامه‌های کودک و نوجوان را هم تجربه کرد. کم‌کم و با انتخاب‌هایی که به مذاق مخاطب تلویزیون خوش می‌آمد، عطاران به یکی از چهره‌های شناخته‌شده برنامه‌های طنز و کمدی صداوسیما تبدیل شد. غفوریان برای «زیر آسمان شهر» سراغ رضا عطاران می‌رود و او با خلق شخصیت‌ها و فضای اصلی داستانی زیر آسمان شهر، یکی از موفق‌ترین کمدی‌های تلویزیون بعد از انقلاب را رقم می‌زند. تأثیر عطاران در زیر آسمان شهر آن قدر زیاد است که غفوریان او را خالق اصلی این مجموعه می‌داند. بعد از زیر آسمان شهر، عطاران سراغ «کوچه اقا قیا» می‌رود. مجموعه‌ای که علاوه بر نویسندگی، کارگردانی‌اش را هم به‌عهده می‌گیرد و سربلند بیرون می‌آید.

عطاران با کوچه اقا قیا نشان داده بود از دنیای طنز تلویزیون و ارتباط برقرار کردن با مخاطب، دانش کافی دارد. شاید مهم‌ترین نقطه عطف کارنامه کاری رضا عطاران در این زمان رقم خورد. او که صد‌رصد، ستاره‌ای متولد تلویزیون



فاطمه عودباشی
گروه رسانه

وقتی نام رضا عطاران را می‌شناسد. از پیر می‌شنویم، ناخودآگاه سیمای یک مرد خندان با چشمانی معصوم به ذهنمان می‌رسد. این بازیگر که امروز ۵۴ ساله می‌شود حدود چهار دهه است که جایگاه بسیار

مهمی در حافظه مخاطبان ایران دارد. از فعالیت در تئاتر گرفته تا درخشیدن در تلویزیون. از ستاره شدن در گیشه تا کسب سیمرغ بلورین جشنواره فجر. این هنرمند در طول این سال‌ها، کارنامه پرفراز و نشیبی داشته است که به بهانه تولدش کارهای تلویزیونی او را مرور می‌کنیم. رضا عطاران را بیشتر مردم می‌شناسند. از پیر گرفته تا جوان و بچه. نکته جالب این که همه او را دوست دارند. چهره او کاریزمایی دارد که باعث شده مخاطبان به او علاقه‌مند شوند. شاید دلیلی که مردم، این هنرمند مشهدی را دوست دارند و برایشان دلنشین است، این باشد که خود واقعی‌اش است. اوساده و بی‌پیرایه و می‌توان گفت یک ستاره مردمی است. شاید روی کاغذ نوشتن این جمله ساده باشد که مردم او را دوست دارند اما در واقعیت رسیدن به چنین نقطه‌ای کار ساده‌ای نیست، زیرا فقط شهرت ندارد و در دل مردم محبوب است. وقتی از رضا عطاران حرف می‌زنیم، منظور همان همان شخصیت آشنای سریال‌های «خانه‌به‌دوش»، «منتهم گریخت» و هنرمندانه‌ترین‌شان «بزنگاه» است. شخصیت‌گاه شلخته‌ای که دروغ و دغل‌هایش را به عنوان یک آدم ساده و گاهی خنگ و برخی مواقع در لباس آدم‌های زبل دوستش داریم. او نقش‌هایش را به حدی روان بازی می‌کند که برای مخاطبان قابل باور است.

ساعت خوش، یک طنز آیتمی

عطاران اواخر دهه ۶۰ از تئاتر به تلویزیون آمد اما با «پرواز ۵۷» مهران مدیری بود که شناخته شد. مدیری دو سال بعد از پرواز ۵۷، «ساعت خوش» را ساخت. یک کار طنز آیتمی که چند جوان مستعد و تازه‌نفس را به فضای عبوس آن روزهای تلویزیون ایران وارد کرد. رضا عطاران هم یکی از این ستاره‌ها

نگاه

نگاهی به فیلم «بادیگارد» که از شبکه یک پخش شد

حاج حیدر، انقلابی تمام‌عیار



پژمان کریمی
منتقد رسانه

در دامنه و ساخت سینما دید و تفسیر کرد. حیدر نمونه انسان‌هایی است که نمی‌توانند فارغ از اندیشه‌ورزی و باورمندان‌ه زیستن، نفس بکشند و گام بردارند. چنین کسانی، باور خود را با همه وجود به آغوش کشیده و سر دست گرفته‌اند. آنان زندگی و سراسر کلام و رفتار خود را با شاقول و شاخص باور الهی‌شان، می‌سنجند و سر و شکل می‌دهند.

حیدر و حیدر را، قاطعانه پنجاه و هفتی هستند و آرمان‌ها و غایاتی را نمایندگی و مطالبه می‌کنند که انقلاب اسلامی به‌عنوان انقلابی کبیربرهمان آرمان‌ها و غایات شکل یافته و باگرفته است. پنجاه و هفتی بودن برعکس توهم و تصور خام برخی سیاسیون دگرگون شده و لیبرال، امروزه خود یک ارزش است؛ ارزشی واقعی! ارزشی که خود حکایت از پابندی و تقید به باورهای الهی و صیانت‌فکری و عملی از صفت (انقلابی بودن» دارد.

حیدر در وهله نخست به‌عنوان یک انقلابی و بعد انقلابی محافظ، هر لحظه خود را در مرتبه صیانت و محافظت از انقلاب و نظام می‌داند. وقتی او در گفت‌وگو با مقام مافوقش تاکید می‌کند نه «بادیگارد» که «محافظ» شخصیت نظام است؛ در واقع شخصیت را در ترازف با نظام یا خود نظام معرفی می‌کند. اینجاست که می‌فهمیم او چرا از عنوان بادیگارد گریزان است و بر «عنوان و حرفه» یا دقیق‌تر بگوییم؛ وظیفه «محافظ» تاکید دارد. حیدر در واقع